



کتابخانه افروز



ما در مدرسه‌ی افروز اعتقاد داریم که فرهنگ، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌های فردی و مدنی پیوندی گسست‌ناپذیر با آموزش دارند. به باور ما کلاس درس فقط فضایی برای کسب دانش نیست؛ این هدف با پرورش مهارت‌های اجتماعی و کسب دانش هم تنیده و تفکیک‌ناپذیرند. موضوع کلاس درس هرچه باشد -ریاضی یا علوم اجتماعی- امکانی است برای تمرین مهارت‌های اجتماعی با دانش‌آموزان و به عقیده‌ی ما ارتقای این مهارت‌ها اگر مهم‌تر از افزایش علم و دانش کودکان و نوجوانان نباشد، از آن کم‌اهمیت‌تر نیست. به همین منظور قصد داریم با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در مدرسه‌ی افروز، بازی‌ها و فعالیت‌هایی عملی برای کودکان و نوجوانان معرفی کنیم، درباره‌ی مهارت‌ها و روش‌های تسهیلگری این مفاهیم در کلاس درس به بحث و گفت‌وگو پردازیم، و راهکاری عملی برای پیاده‌سازی این مفاهیم در کلاس درس را با هم تجربه کنیم.

مدرسه‌ی افروز دو اصل «آموزش مشارکتی» و «کاربردی بودن مطالب» را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده و دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای تدوین کرده است که همگام با معرفی هر مفهوم نظری، نحوه‌ی انتقال آن به دانش‌آموزان هم به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود. امیدواریم با تمرکز بر مهارت تسهیلگری، و هم‌فکری و گفت‌وگو درباره‌ی آن بتوانیم راهکارها و شیوه‌هایی جدید و کاربردی و خلاق پیدا کنیم تا از این طریق تمرین مهارت‌های اجتماعی و بالا بردن میزان مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس محقق شود. ما در مدرسه‌ی افروز بر این باوریم که می‌توان با چشم‌انداز «جامعه‌ی فردا را با هم بسازیم» از فرصت‌های موجود در کلاس درس بهره‌جست و برای تبدیل دانش‌آموزان به شهروندانی آگاه و مؤثر کوشید.

(در صورت استفاده از منابع افروز، لطفاً ذکر منبع را فراموش نکنید. متشکریم)

# یادگیری عمیق‌تر از راه خدمت

این مقاله که نوامبر سال ۱۹۹۰ در ماهنامه Educational Leadership به چاپ رسید، کار مشترک دو آموزش‌گری است که به‌طور مستقیم در یک پروژه یک پارچه خدمت‌محور در سه منطقه آموزشی اجرا شد.

ماری کی نیبگن (Mary K. Nebgen) معاون مدارس عمومی شهر تاکوما در ایالت واشنگتن، و کیت مک‌فیرسون (Kate Mc. Pherson) مدیر پروژه یادگیری از راه خدمت که به‌طور همزمان در سه ناحیه آموزشی اجرا شد، این مقاله را نوشته و از تجربه‌شان در اجرای پروژه‌های توانمندسازی نوجوانان از طریق روش یادگیری از راه خدمت توضیح داده‌اند.

ماهنامه Educational Leadership از انتشارات انجمن نظارت و برنامه‌ریزی درسی (ASCD) است که یکی از منابع معتبر در حیطه آموزش و یادگیری به شمار می‌آید. انجمن ASCD سال ۱۹۴۳ تأسیس شد و در حال حاضر بیش از ۱۲۵ هزار معلم از ۱۲۸ کشور دنیا عضو آن هستند.

## ترجمه: گروه آموزش مدرسه افروز





سه منطقه ایساکوآ (Issaquah)، پنینسولا (Peninsula) و تاکوما (Tacoma) در ایالت واشنگتن، در آخرین ماه بهار سال ۱۹۸۸ یک طرح جامع خدمت‌محور را که بر مهارت‌های راهبری (Leadership) متمرکز بود، آغاز کردند. هدف این طرح جلب توجه جوانان به مسائل اجتماعی و پرورش مسئولیت‌پذیری مدنی در میان آن‌ها بود. اعضای این تشکل متعهد شدند که به مدت سه سال مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی طرح‌های یادگیری از راه خدمت منطقه‌شان را بر عهده بگیرند.

هر سه منطقه آموزشی بر این نکته اتفاق نظر داشتند که یک پروژه یادگیری از راه خدمت در صورتی موفق و مؤثر خواهد بود که به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر در بدنه آموزشی و درس‌های مدرسه و دانشگاه گنجانده شود. از این رو اعضای تشکل راه‌هایی برای گنجاندن خدمت‌های معنادار در برنامه‌های جاری آموزشی منطقه یافتند و هر منطقه، خدمت را مبتنی بر نیازها و شرایط خود تبیین کرد. این مقاله هر کدام از برنامه‌های این طرح مشترک را به اختصار تشریح می‌کند، مؤلفه‌های حیاتی در موفقیت طرح‌ها را می‌شمارد و به موانعی می‌پردازد که موفقیت و اثربخشی پروژه بدون عبور از آن‌ها ممکن نبود.

## نگاه هر یک از مناطق به «خدمت»

مدارس منطقه ایساکوآ برای تلفیق خدمت با برنامه‌های آموزشی مقطع پیش‌دبستان تا کلاس دوازدهم بر همکاری با نهادهای اجتماعی متمرکز شدند. دبستانی‌ها روی خدمت به خانه و مدرسه تمرکز داشتند، مقطع راهنمایی بر خدمت به خانه، مدرسه و جامعه محلی متمرکز شد و پروژه‌های دبیرستان معنای وسیع‌تری برای خدمت در نظر گرفتند به نحوی که جامعه جهانی را هم شامل شود. جیم سی‌بر (Jim Sieber)، تسهیل‌گر طرح‌های خدمت‌محور منطقه ایساکوآ، به معلمان و دانش‌آموزان در پاسخ دادن به نیازهای واقعی جامعه هدف کمک کرد و در برقراری پیوند میان خدمت و برنامه آموزشی در کنار معلمان بود.

ایساکوآ در جریان همکاری مشابهی میان شهرداری و شرکت‌های بازیافت محلی به یک مرکز بازیافت بدل شده بود. در این منطقه از نایلون و یونولیت استفاده نمی‌کردند و طرح‌های بازیافت کاغذ و آلومینیوم در سطح فراگیر اجرا می‌شد.

هر یک از مدارس تشویق می‌شد که نقش پروژه‌های خدماتی دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های داخلی‌اش را گسترش دهد. مثلاً معلمان یک دبیرستان در جریان همکاری با اداره حفاظت از محیط زیست برای ادغام اهداف آموزشی کلاس‌های علوم، زبان انگلیسی و علوم اجتماعی با طرح «بررسی یک مشکل زیست‌محیطی» برنامه‌ریزی کردند.

دانش‌آموزان در سایه مفاهیم و روش‌های علمی توانستند وضعیت جاری مشکلات زیست‌محیطی را ارزیابی کنند؛ علوم اجتماعی به آن‌ها کمک کرد تا بفهمند مؤلفه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی چه تأثیری بر سیاست‌گذاری‌های محلی دارند. افزون بر این‌ها، دانش‌آموزان با به‌کارگیری مهارت‌های کلامی یافته‌های خود را در مجامع عمومی و در حضور سیاست‌گذاران ارائه دادند. دو مدرسه دیگر هم پروژه‌های مشابه را اجرا می‌کردند.

منطقه آموزشی دوم، تاکوما، سیاستی مبنی بر ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیتهای خدمت‌رسانی تا پیش از پایان دوران تحصیل‌شان در پیش گرفت، به نحوی که ۷۵ ساعت شرکت در یک فعالیت خدمت‌رسانی و بازاندیشی درباره آن معادل گذراندن چند واحد درسی بود. دانش‌آموزان می‌توانستند این امتیاز ویژه را با گذراندن واحدهایی که پروژه‌های بزرگ یادگیری از راه خدمت را شامل می‌شد، به دست آورند. عضویت در سازمان‌ها و گروه‌هایی مانند گروه‌های پیشاهنگی یا عضویت در گروه‌های کلیسا که خدمتی به جامعه ارائه می‌دهند، داوطلب شدن در نهادهایی که مستقیماً با اجتماع درگیر هستند یا انجام پژوهش‌های گسترده درباره یکی از معضلات اجتماعی از دیگر راه‌های برخورداری از این امتیاز ویژه در مدرسه بود.

ضوابط و معیارهای کلی این پروژه از سوی اداره مرکزی تعیین شد و هرکدام از مدارس برنامه‌های منحصر به فرد خود را بر آن اساس طراحی کردند. به عنوان مثال سه دبیرستان جلسات و نشست‌هایی با موضوع «خیابان امن» ترتیب دادند تا برای پاک‌سازی خیابان‌های محله از مواد مخدر و برقراری امنیت در آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. گروهی از دانش‌آموزان در یکی از مدارس باشگاه ویژه خدمت‌رسانی راه‌اندازی کردند. مرکز کاریابی یکی از مدارس فعالیت‌های خدمت‌رسانی دانش‌آموزان را به عنوان بخشی از پرونده شغلی آن‌ها در نظر گرفت و دانش‌آموزان را به مشارکت در این فعالیت‌ها تشویق کرد. به این ترتیب دانش‌آموزان دیدند که مشارکت در خدمت‌رسانی به جامعه چه طور به بخش مهمی از سوابق حرفه‌ای‌شان بدل می‌شود.

مدارس سومین منطقه آموزشی، پنینسولا، کار خود را با تمرکز بر یک مدرسه به نام گیگ‌هاربر (Gig Harbor) آغاز کردند. در این مدرسه ۲۲ معلم با استفاده از روش یادگیری از راه خدمت توانستند سطح کلاس‌های خود را ارتقا بخشند. به عنوان مثال:

- در کلاس‌های زبان اسپانیایی، دانش‌آموزان به هم‌کلاسی‌هایی که انگلیسی زبان دوم آن‌هاست به‌طور خصوصی انگلیسی یاد دادند.

- دانش‌آموزان یک کلاس زیست‌شناسی در جریان همکاری با دبستانی در نزدیکی مدرسه‌شان برای آموزش عمیق‌تر درس علوم برنامه‌ریزی کردند.



- دانش‌آموزان کلاس راهبری، به عنوان «برادر بزرگ‌تر» یا «خواهر بزرگ‌تر» به دانش‌آموزان کلاس‌های ابتدایی کمک کردند.

در تمام مدرسه، آموزگاران ترغیب می‌شدند که سطح کلاس‌های خود را با استفاده از شیوه یادگیری از راه خدمت بهبود بخشند. آموزگاران این منطقه آموزشی از دبستان تا راهنمایی و دبیرستان مجموعه‌ای غنی از پروژه‌های یادگیری از راه خدمت طراحی کردند تا فعالیت‌های خدمت‌محور را به بخشی از برنامه آموزشی خود بدل کنند.

## مؤلفه‌های کلیدی در طرح‌های یادگیری از راه خدمت

مدارس هر سه منطقه شرکت‌کننده در طرح یادگیری از راه خدمت دریافتند که ۶ عامل عمده در موفقیت برنامه‌های آن‌ها نقش داشته است:

**۱- ارتباط:** از همان آغاز کار لازم است والدین، دانش‌آموزان، آموزگاران، مدیران و اعضای هیأت‌مدیره در جریان طرح‌های ارائه شده و نحوه پیشرفت کار قرار بگیرند. ارسال گزارش‌های منظم به هیأت‌مدیره، مدیران، شورای دانش‌آموزی و همین‌طور انجمن اولیا و مربیان بخشی از روند ارتباط مستمر به‌شمار می‌رود. افزون بر این، ویدئوها و اطلاعات مکتوبی شامل تشریح دقیق برنامه و ایده‌هایی برای پروژه‌های خدمت‌رسانی در اختیار معلمان و سازمان‌های محلی قرار بگیرد. اگر یک پروژه یادگیری از راه خدمت با مشارکت نمایندگان تشکل‌ها، نمایندگان بنگاه‌های تجاری و والدین اجرا می‌شود، آن‌ها باید در کنار دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه در جریان فرآیند برنامه‌ریزی قرار بگیرند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. به عنوان مثال در تاکوما، همه افرادی که به نوعی در پروژه مشارکت دارند در یک شورای راهبری عضو بودند، و در ایساکوآ، کسب و کارهای محلی به سازماندهی و اجرایی شدن پروژه بازیافت منطقه کمک کردند.

**۲- رشد حرفه‌ای:** رشد و توسعه حرفه‌ای (Professional development) دومین مؤلفه ضروری در موفقیت پروژه‌های یادگیری از راه خدمت، است. تشکل سه منطقه آموزشی ایساکوآ، تاکوما و پنینسولا در آغاز راه یک کنفرانس ترتیب دادند و میزبان گروهی از مدیران، آموزگاران و دانش‌آموزان از سراسر کشور بودند. هدف این بود که میهمانان از تجربه‌ها و برنامه‌های خدمت‌محورشان بگویند و مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی که در موفقیت پروژه‌هایشان مؤثر بود را به بحث بگذارند. در ادامه کنفرانس، میهمانان از مدارس مشخصی بازدید کردند تا ضمن تشریح دقیق‌تر پروژه‌هایشان به پرسش‌های کلیدی پاسخ دهند. این برنامه به معلمان، دانش‌آموزان و دیگر افرادی که قرار بود در سه منطقه یادشده در طرح‌های خدمت‌محور مشارکت کنند فرصت داد که اهمیت تلاش‌هایشان را در سطح ملی ببینند و از چشم‌اندازی وسیع‌تر به کارشان نگاه کنند، هم فردی و هم از لحاظ آنچه در منطقه اتفاق می‌افتد.

در تابستان سال ۱۹۸۹، آموزش‌گرانی از هر سه منطقه آموزشی با شرکت در کنفرانسی هفت‌روزه که به همت شورای ملی راهبری نوجوانان و با حضور پیشگامان یادگیری از راه خدمت از سراسر کشور برگزار شد، در جریان نتایج تازه‌ترین پژوهش‌ها در زمینه یادگیری از راه خدمت قرار گرفتند و با متخصصان این حوزه تعامل کردند. یک ماه بعد، آن‌ها به این معلمان هر سه منطقه در اجرایی شدن طرح‌هایی که برای ارتقای یادگیری از طریق خدمت‌رسانی آماده شده بود، کمک کردند. این گروه از آموزش‌گران در نهایت مسئولیت برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای دیگر معلمان و آموزش‌گران هر سه منطقه را بر عهده گرفتند. ارتباط میان آموزش‌گران پس از کنفرانس هفت‌روزه به صورت ادواری ادامه داشت؛ آن‌ها در فواصل زمانی معین با دیگر معلمان و متخصصانی که در کنفرانس شرکت داشتند دیدار می‌کردند، تا ضمن تبادل نظر، برای حل مشکلات و رفع چالش‌ها هم‌فکری کنند. آموزگاران به صورت ادواری با یکدیگر دیدار می‌کنند تا ضمن تبادل نظر مشکلات خود را حل و فصل کنند. افزون بر این، خبرنامه‌ای منتشر می‌شود که همه معلمان به آن دسترسی دارند.

بنا به درخواست آموزگاران، کنفرانس‌ها، جلسات مشاوره و نشست‌های برنامه‌ریزی مشترک در زمینه موضوعات درسی مشخص برگزار می‌شد. از نمونه این برنامه‌ها نشست‌ها بود که با حضور نمایندگان از نهادها و سازمان‌های مختلف برگزار شد تا راهکارهایی برای مشارکت دانش‌آموزان در پژوهش‌های زیست‌محیطی حاصل شود؛ پژوهش‌هایی که در بهبود محیط زندگی دانش‌آموزان مؤثر باشد.

علاوه بر همه این‌ها، کتاب‌خانه ایالتی برای آشنایی شرکت‌کنندگان با انواع مدل‌های پیاده‌سازی یادگیری از راه خدمت مجموعه ویدیوهای آموزشی را در اختیار آن‌ها قرار داد.

### ۳ - مدیریت و هماهنگی

حضور یک هماهنگ‌کننده در دبیرستان یا حوزه آموزشی تأکیدی بر این است که مشارکت معلمان در پروژه‌های یادگیری از راه خدمت نه تنها به رسمیت شناخته شده که مورد تشویق است. این هماهنگ‌کنندگان می‌توانند هر روز یا به صورت ادواری در مدرسه‌ها حضور یابند و در طراحی پروژه‌ها یا به‌عنوان رابط میان تشکل‌ها و مدارس وظیفه هماهنگ کردن را بر عهده بگیرند.

### ۴ - حمایت رسمی

هر کدام از مدیران شرکت‌کننده در طرح یادگیری از راه خدمت متعهد شدند که سه سال این شیوه را اجرا کنند. تعهد دیگرشان تعیین یک مدیر اجرایی در سطح منطقه بود؛ مدیری که در نقش یک مدافع تمام و کمال یادگیری از راه خدمت عمل کند.



## ۵- انطباق سیاست‌های حوزه آموزشی با مدرسه

یکی از عوامل مهم در یک پروژه موفق یادگیری از راه خدمت باور مدیران آموزشی به این مسئله است که هر یک از مدارس باید پروژه‌های برای خود طراحی کند. وقتی مسئول طرح یادگیری از راه خدمت در مدرسه فرآیند برنامه‌ریزی را هدایت و هماهنگ می‌کند، گروهی از معلمان علاقه‌مند مجموعه‌ای متنوع از گزینه‌های ممکن برای خدمت را آماده می‌کنند و به دنبال راهکارهایی برای ترویج فرهنگ خدمت‌رسانی میان دانش‌آموزان می‌گردند.

## ۶- زمان‌بندی

دست آخر اینکه، اداره هر منطقه مدت زمانی را که معلمان و هماهنگ‌کنندگان برای برنامه‌ریزی، بحث و تبادل نظر، بیان چالش‌ها و حل آن‌ها نیاز دارند، در نظر می‌گیرد.

## غلبه بر موانع در مسیر موفقیت

اجرای پروژه‌های معنادار یادگیری از راه خدمت که هم برای دانش‌آموزان (ارائه‌کنندگان خدمات) و هم برای جامعه (دریافت‌کنندگان خدمات) مفید باشد آسان نیست. هرچند تعداد شهروندانی که ارزش این فعالیت‌ها را زیر سؤال می‌برند اندک است، با این حال تصاویر راکد و ایستا از خدمت به جامعه و ساختارهای سازمانی ممکن است موانعی در مسیر موفقیت طرح یادگیری از راه خدمت باشند. یکی دیگر از این موانع، دشواری ارزیابی است.

## تصویر کسالت‌بار و تغییرناپذیر از یادگیری از راه خدمت

رسیدن به راه‌های خلاق برای گنجاندن خدمت در برنامه آموزشی و توسعه دادن درک و تعریف یادگیرندگان از مفهوم «جامعه» به نحوی که از معنای عام آن فاصله بگیرند و مدرسه و خانه و جامعه جهانی را در کنار محله و شهر و کشورشان در این تعریف بگنجانند، امری زمان‌بر است و به مثال‌هایی روشن و واضح نیاز دارد.

گذشته از این، افراد تمایل دارند خدمت را در تعریفی فراگیر بگنجانند و به عنوان فعالیت‌های داوطلبانه به آن نگاه کنند. این دیدگاه نگرانی‌هایی درباره مسئولیت‌پذیری، نقل و انتقال در جامعه هدف و برنامه‌های پیچیده ایجاد می‌کند. با اینهمه مدارس معمولاً نیازهایی را در جامعه کشف و شناسایی می‌کنند که می‌توان در قالب کلاس درس به آن‌ها پرداخت و برای آن‌ها راه‌حلی پیدا کرد. مثلاً دانش‌آموزان کلاس طراحی صنعتی در یک دبیرستان، صندلی ویژه‌ای برای یک معلول طراحی کردند و ساختند. همکاری با نهادهای محلی هم باعث تقویت نهادها می‌شود، هم مانند چتری از اعتماد و مسئولیت برای فعالیت‌های خارج از مدرسه عمل می‌کند.



در پروژه‌های یادگیری از راه خدمت معلمان به دنبال راه‌هایی هستند تا دانش‌آموزان بتوانند آموخته‌های خود را به دیگران آموزش دهند، از محتوای درسی برای کمک به رفع یکی از نیازهای جامعه استفاده شود و ماحصل کلاس و درس برای کمک به دیگران به کار رود. این ایده‌ها، نه تنها به لحاظ منطقی عملی و امکان‌پذیرند، بلکه ارزش‌هایی به برنامه‌های رسمی آموزشی کی‌افزایند.

## ساختارهای سازمانی

فعالیت‌های آموزشی در دبیرستان‌ها چنان پرشمار و فشرده است که بعید به نظر می‌رسد فرصتی برای برنامه‌ریزی، تحقیق و محک و آزمایش داشته باشند. هرچند اغلب مدارس این خدمات را در برنامه معمول آموزشی‌شان می‌گنجانند، اما مدرسه گیگ‌هاربر (Gig Harbor) برنامه‌های آموزشی خود را تغییر داد و از نو ساماندهی کرد تا خدمت‌رسانی به زمینه اصلی برنامه‌هایش تبدیل شود. دبیرستان لیبرتی (Liberty) با در نظر گرفتن برنامه‌هایی شامل سه مقطع برای خدمات زیست‌محیطی‌اش، امیدوار است انعطاف بیشتری برای برنامه‌های خدمت‌محور و مدت برنامه‌ریزی فراهم کند. همچنین یک مدرسه راهنمایی در ایساکوآ به دنبال راه‌هایی برای زمان‌بندی فعالیت‌های خدمت‌رسانی بود تا از آن طریق معلمان مهلتی برای برنامه‌ریزی به دست آورند. مدارس شرکت‌کننده در طرح یادگیری از راه خدمت با آزمودن راه‌های مختلفی در زمان‌بندی بخش‌های مختلف کار خدمت‌رسانی به دنبال راه‌هایی برای تسهیلگری مؤثرتر یادگیری از راه خدمت و همین‌طور بازاندیشی در آن بودند.

## فرآیند ارزیابی

مدارس و مناطق آموزشی غالباً بر اساس آزمون‌های استاندارد ارزیابی می‌شوند. این آزمون‌ها دست‌آوردهای معنادار یادگیری از راه خدمت یعنی احساس تعلق به جامعه، ظرفیت مشارکت اجتماعی و تمایل به آن، همدلی با دیگران و توجه به آن‌ها را اندازه نمی‌گیرند. ما شروع کردیم به طراحی یک کلاس و روش‌هایی برای ارزیابی دست‌آوردهای یادگیری از راه خدمت تا سرانجام جزئی از برنامه مرسوم ارزیابی در مدرسه شوند.

هر سه منطقه آموزشی بر اساس تجربه‌های عملی‌شان دریافته‌اند که یادگیری از راه خدمت نه تنها به جامعه کمک می‌کند و برای آن مفید است، بلکه دانش‌آموزان را با فرآیند یادگیری درگیر و به آن‌ها کمک می‌کند میان دانسته‌ها و آموخته‌هایشان با زندگی عملی ارتباط برقرار کنند. مثلاً همین که دانش‌آموزان کلاس زبان اسپانیایی مسئولیت تدریس خصوصی به دانش‌آموزان تازه‌مهاجر را بر عهده گرفتند، درک عمیق‌تری از زبانی که می‌آموختند به دست آوردند و بیش از گذشته به ارزش‌های امریکای لاتین پی بردند. آن‌ها در جریان آماده کردن طرح درس برای حل این چالش که چه‌طور می‌توان روشی مؤثر برای تشریح یک ایده پیدا کرد، جنگیدند و در جریان بحث با دیگران به زبانی غیر از زبان مادری درک یکپارچه‌ای از موضوعات متنوع کتاب‌های درسی مختلف‌شان به دست آوردند.

افزون بر این‌ها، یادگیری از راه خدمت مهارت‌های سطح بالای تفکر را تقویت می‌کند. مثلاً دانش‌آموزان کلاس طراحی صنعتی که فعالیت خدمت‌محورشان طراحی صندلی ویژه برای کودکی مبتلا به بیماری ام‌اس بود حین انجام این دو بخش از کار مهارت‌های طراحی، نقشه‌کشی و حل مسئله را به کار بردند:

- ۱- انتخاب جنس و ماده‌ای که هم به اندازه کافی مستحکم است و در عین حال قابلیت ارتجاعی مناسب دارد.
- ۲- برنامه‌ریزی برای طراحی سازه‌ای که اندازه‌اش متناسب با رشد کودک تغییر کند.

همکاری میان مدارس و نهادهای اجتماعی نتایج و منافع بسیاری به دنبال دارد. یکی از دانش‌آموزان دبیرستان گیگ هاربر تجربه‌اش درباره خدمت‌رسانی به اقامت‌گاه بی‌خانمان‌ها را این‌طور توصیف می‌کند:

اول با روش یادگیری از راه خدمت کاملاً مخالف بودم، اما حالا نگاهم به ماجرا به کلی تغییر کرده. آدم تا وقتی از نزدیک فقر و بی‌خانمانی را نبیند، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. برای درگیر شدن با مشکلات اجتماعی و اهمیت دادن به آن‌ها همان مواجهه اندک با این مشکلات کافی است. حالا متقاعد شده‌ام که فقط کافی است یک مدت کوتاه به خدمت‌رسانی اجتماعی مشغول شوید، آن وقت تا آخر عمر متعهد می‌شوید به جامعه‌تان کمک کنید.



# سؤال؟؟

با مدرسه افروز تماس بگیرید  
[info@afroozschool.org](mailto:info@afroozschool.org)